



ادامه در صفحه ۲

یورش گزمنگان ارتجاع به خاوران

سروستان خاوران که شمار زیادی از جان باختگان فاجعه ملی در آن به صورت انفرادی و دستجمعی به خاک سپرده شده اند، در بیستمین سالگرد این کشتار فراموش نشدنی، شاهد اقدامات شدید امنیتی و یورش پاسداران و گزمنگان جهل و تاریک اندیشی بود.

نامه
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۹۸، دوره هشتم

سال بیست و سوم ۹ شهریور ۱۳۸۷

ص ۳

ضرورت مبارزه متحد بر ضد لایحه "حمایت از خانواده"

درس های تاریخ را فراموش نکنیم!

**تجربه ۲۸ مرداد، بهای رودها خون و دریاها رنج است. این تجربه غنی که خاکستر آرزوهای مردمی سلحشور و مجروح در آن مدفون است. امروز هم مثل دیروز به اعجاز اتحاد اشاره می کند! رفیق شهید رحمان هاتفی (حیدر مهرگان)*

سال دیگری از عمر واقعه تاریخی کودتای ننگین ۲۸ مرداد گذشت. امسال ۵۵مین سالگرد این رخ داد بود و مانند هر ساله مطالب متنوع و گاه قابل تاملی در خصوص کودتای ۲۸ مرداد و نتایج فوق العاده زیانبار آن برای میهن ما، در رسانه های همگانی انتشار یافت. کمتر مقاله و یا سخنرانی را در این زمینه می توان یافت که به نقش امپریالیسم در سازماندهی و رهبری کودتای ۲۸ مرداد نپرداخته باشد و تحمیل رژیم ضد ملی شاه به مثابه رژیم کودتا را مورد بررسی و موشکافی قرار نداده باشد. امروز پس از گذشت بیش از نیم سده، واقعیت تاریخی گواه آن است که امپریالیسم با سازماندهی کودتا ضمن سرنگون ساختن حکومت ملی دکتر محمد مصدق و اعدام و شکنجه توده ای ها، سیر طبیعی جامعه ایران به سمت استقلال ملی، رهایی از بندهای وابستگی و برقراری آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی را با خشونت تمام منحرف ساخت و با تحمیل رژیم ضد ملی و ضد مردمی شاه، ایران را در مدار کشورهای وابسته به امپریالیسم به عنوان عاملی سرسپرده و فاقد اراده، قرارداد و این امر نتایج اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فوق العاده زیانبخش برجای گذارده که کماکان جامعه ایران از آنها رنج می برد!

ادامه در صفحه ۲

ارزیابی ولی فقیه از عملکرد دولت ارتجاع و کلان سرمایه داران و انتخابات ریاست جمهوری آینده

گرفته شد. گرایش های سکولاریستی - که متأسفانه باز داشت در بدنه ای مجموعه ای مدیران کشور نفوذ می کرد - جلوی پیش گرفته شد. نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جانهایشان را کف دستشان گرفته اند و جوانهایشان را به میدانهای خطر فرستاده اند؛ آن وقت مسئولان یک چنین نظامی دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟! «یکی بر سر شاخ و بن می برید»؛ یعنی خودشان بنشینند و بنا کنند بن این مینا و قاعده را کلنگ زدن! خیلی چیز خطرناکی بود. خب، الحمدلله اینها جلوی پیش گرفته شد. (به نقل از پایگاه اینترنتی خامنه ای)

خامنه ای در بخش های دیگری از سخنان خود ضمن تمجید از مواضع دولت احمدی نژاد در زمینه سیاست انرژی هسته ای و «دلیر و کاری» و «خاکی و مردمی» خواندن این دولت، در انتها به آنها سفارش کرد که: «آنچه که در مورد سال آخر این دوره باید به شما عرض بکنم، چند نکته است. یکی اینکه در این

با نزدیک تر شدن زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری مانور گروه های سیاسی و همچنین تلاش سران رژیم برای تاثیر گذاری و تعیین روند انتخابات آینده تشدید می گردد. از جمله نمونه های قابل تأمل این مانورها سخنان علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم ارتجاع در دیدار با اعضای دولت احمدی نژاد بود. خامنه ای در سخنرانی خود به شکل مشخصی ضمن حمله به دولت گذشته، یعنی دولت خاتمی، به دفاع از دولت احمدی نژاد و «دست آوردهای» آن پرداخت، و از جمله عملکرد های قابل تحسین دولت کنونی را جلوگیری از نفوذ «غرب زدگی» و «سکولاریسم» دانست و خطاب به دولت احمدی نژاد گفت: «روند غرب باوری و غرب زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه ای مجموعه های دولتی نفوذ می کرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک عده ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شیفته ای یک تمدنی یا یک کشوری باشند؛ اما این وقتی به بدنه ای مدیران انقلاب و مجموعه های انقلاب نفوذ می کند، چیز خیلی خطرناکی می شود. این دیده می شد؛ خب، جلوی پیش

ادامه در صفحه ۹

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه درس های تاریخ ...



بی تردید این واقعه از حافظه تاریخی مردم ایران زدوده نخواهد شد، زیرا بهایی که تا به امروز میهن ما به دلیل کودتای ۲۸ مرداد پرداخته است، فقط به یک یا دو نسل مربوط نگردیده و پیامدهای آن همچنان در مجموعه روابط سیاسی- اجتماعی کشور اثر گذار قلمداد می شوند. به هر روی مساله پی بردن به ماهیت واقعی مداخله امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی در میهن ما و تدارک و رهبری کودتای ۲۸ مرداد همواره از موضوعات فوق العاده مهم در بحث و بررسی پیرامون این رخ داد بوده و

تاکنون جنبه های گوناگون آن شکافته و مورد ارزیابی قرار گرفته است. اما توجه دقیق به مطالب و موضع گیری های احزاب، سازمان ها و شخصیت های ملی و میهن دوست و ترقی خواه هنگامیکه به تحلیل و داوری در مورد ۲۸ مرداد و نقش امپریالیسم می پردازند، حاکی از آن است که یک جنبه با اهمیت از این ماجرا کمتر توجه برانگیز بود و همچنان به دست فراموشی سپرده می شود. عامل مهمی که کودتاگران از آن بهره برده و اهداف خود را تحقق بخشیدند. تفرقه و اختلافات در میان نیروهای مردمی بود. درحقیقت بی توجهی به مساله خطیر اتحاد عمل میان هواداران صدیق دکتر محمد مصدق و حزب توده ایران به امپریالیسم و مهره های داخلی آن مانند، شاه، زاهدی، مظفریقایی و امثالهم این امکان را داد تا بتوانند از این خلاء بزرگ استفاده کرده و تدارک، سازماندهی و اجرای کودتا را بدون مقاومت موثر به سرانجام برسانند. نباید فراموش کنیم مناسبات و روابط میان حزب ما و دولت مصدق آن چنانکه ضرورت زمانه و نیاز آن مقطع تاریخی محسوب می شود، نبود و دشمن از همین زاویه ضربه خود را فرو آورد و به موفقیت نیز رسید. حزب ما به جز دوره کوتاهی که در شناخت ماهیت جبهه ملی دچار تردید و اشتباه شد، به کرات و در هر فرصت مناسب، در هر نشیب خطرناک و لحظه حساس به دولت زنده یاد مصدق پیشنهاد اتحاد و همکاری داد و متأسفانه در همه موارد بدون استثناء پاسخ منفی شنید و دست رد بر سینه اش زده شد! این تفرقه، این جدایی نمی توانست ثمره ای غیر از موفقیت نیروهای ارتجاعی وابسته به دربار و در خدمت امپریالیسم داشته باشد. به اعتقاد ما، اینک پس از گذشت ۵۵ سال از کودتای ۲۸ مرداد، مساله اتحاد و توجه و برخورد مسئولانه با آن کماکان در حد و اندازه قابل قبول نیست. هنوز برخی نیروهای ملی و میهن دوست کشور ما وقتی از کودتای ۲۸ مرداد صحبت می کنند و به بررسی آن می نشینند، لبه تیز حملات خود را متوجه جنبش زحمتکش ایران به رهبری حزب توده ایران می کنند و دانسته یا ندانسته (عمدتاً ندانسته) نقش دربار، آمریکا و انگلستان را کم رنگ می سازند. در اینجا و در برابر این دوستان، ارزیابی زنده یاد رفیق شهید رحمان هاتفی شایسته ترین پاسخ محسوب می شود. او در تحلیل این رخ داد تاریخی یعنی کودتای ننگین ۲۸ مرداد در مقاله ای تحت عنوان "نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت در ایران و نقش حزب توده ایران در این جنبش" که در مجله دنیا-شماره ۵-مرداد ماه ۱۳۵۹ انتشار یافته بود، از جمله نوشت: "از سکوی امروز بهتر می توان دیروز را دید. بغرنجی های گذشته اکنون معمای حل شده و آسانی است. اما آسان بودن و دسترسی به اجزاء و عناصر این معما، برای بسیاری که موضع طبقاتی شان، آن ها را در برابر جنبش کارگری ایران و جنبش جهانی کمونیستی قرار می دهد و یا سوء ظن خصلتی آن ها را برمی انگیزد، هنوز به معنی گشودن آن نیست، از فراز سکوی امروز، منظرگاهی از یک انقلاب ملی و دمکراتیک، آغشته به بوی شدید نفت، هویدا است. این انقلابی بود علیه وابستگی ایران به امپریالیسم و علیه مناسبات فئودالی ولی بینیم همه نیروهایی که سودای رهبری این انقلاب را داشتند، از آن طرفیت و طبیعت قاطع و پیکارجویی که لازمه پیروزی است، برخوردار بودند؟ گره گاه مساله و جان کلام همین جا است."

فارغ از اهمیت این حقیقت انکار ناپذیر، کودتای ۲۸ مرداد حاوی درس های پرارزش تاریخی است که مهمترین آن ضرورت درک و پابندی به امر اتحاد نیروهای میهن دوست ضمن وجود دیدگاه های مختلف است. هنگام بررسی و کنکاش کودتای ۲۸ مرداد نمی توان و نباید این درس و دیگر درس های تاریخ را به فراموشی سپرد!

ادامه یورش گزمنگان ...

براساس گزارشات موثق، ساعت هشت صبح روز جمعه هشتم شهریور ماه به رسم همه ساله و با نیت بزرگداشت بیستمین سالگرد فاجعه ملی، گروهی از خانواده ها و بستگان شهدای سال ۱۳۶۷ راهی خاوران در جنوب شرقی تهران بودند، اما رژیم ولایت فقیه با تدابیر شدید امنیتی و با برنامه ای از پیش طراحی شده مانع حضور خانواده ها بر سر مزار قهرمانان جاوید خلق گردید و اوباش حزب الهی و بسیجی به خانواده ها حمله برده و به ضرب و شتم آنها پرداختند.

یکی از اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان ایران و از شاهدان عینی روز جمعه به خبرنگاران خارجی در این باره گفت: "در تمام طول مسیری که از آن میدان گل می گذشتیم تا به خود گورستان خاوران برسیم، شاید مثلاً در فاصله های نیم کیلومتری، حتا کمتر، ماشین های پلیس و نیروی انتظامی ایستاده بودند. وقتی دور زدیم، در حقیقت جاده خراسان را برگشتیم به طرف خاوران دیدیم که تمام آن دیواری را که به گورستان خاوران منتهی می شود، حصارها و نرده های آهنی کشیده اند. دوستان می خواستند گل هایی را که خریده بودند ببرند سر مزار، موتور سوارهایی که اینها را تعقیب می کردند، آمدند و شروع کردند به درگیر شدن با جمعیت و به اصطلاح کتک کاری کردن، البته کتک کاری یک طرفه و بعد شکستن شیشه ماشین ها، شیشه ماشین ها را خرد می کردند، از جمله ماشینی که خود من سوارش بودم شیشه عقب اش را با آجر خرد کردند. آجر را پرت می کردند و هیچ ملاحظه ای نداشتند که ممکن است این آجر به سروکله ی کسی بخورد، نمره ماشین ها را می کنند."

از سوی دیگر ناصر زرافشان و کیل شجاع پرونده قتل های زنجیره ای و پیگیری حقوقی کشتار فراموش نشدنی سال ۱۳۶۷ نیز به خبرنگاران یادآوری کرد: "به جمعیت حمله شد و احتمال دارد تعدادی توسط نیروی انتظامی دستگیر شده باشند. یک چیزهایی از افراد که به سمت خاوران می آمدند مانند دوربین، تلفن دستی و اینجور چیزها ضبط شده است."

آقای زرافشان همچنین تاکید کرد: "از چند روز مانده به هشتم شهریورماه تعدادی از خانواده های شهدا و نیز فعالان سیاسی به دادگاه انقلاب احضار شده بودند و محور بازجویی ها مراسم امسال بود." وی گفت: "از هفته های گذشته احضار ها و یورش به جمع مادران جان باختگان در منزل خانم سرحدی زاده و جلب مادران به مراجع انتظامی و امنیتی و احضار فعالان وجود داشت."

یورش گزمنگان به خانواده های شهدای فاجعه ملی و تدابیر امنیتی امسال بسیار گسترده تر و سازمان یافته تر از سال های قبل بود و این حقیقت را ثابت می کند که پس از گذشت دو دهه رژیم تبهکار ولایت فقیه نتوانسته این جنایت بزرگ را به دست فراموشی بسپارد. هراس ارتجاع که نمونه روشن آن رفتار و عملکرد امسال در خاوران بود، نشان می دهد فرزندان قهرمان مردم از یادها زدوده نخواهند شد و این جنایت هرگز فراموش نمی شود. حزب ما ضمن همدردی با خانواده و بستگان فاجعه ملی، یورش گزمنگان به خانواده ها در خاوران را محکوم کرده و خواستار تشدید مبارزه برای معرفی عاملان، آمران و مجریان فاجعه ملی و مجازات آنان است.



زنان انتشار یافت، جمله آمده است: "نمایندگان مجلس، نمایندگی کدام گروه اجتماعی را برعهده گرفته اند؟

آیا تصویب

لایحه به ظاهر "حمایت از خانواده" حمایت از مردان نوکیسه ای که فقط در پی اضافه کردن دارایی های خود هستند و زن را هم کالایی مصرفی تصور می کنند، نیست؟... لایحه ضد خانواده زنان را دچار فقر به تمام معنی می کند. وقتی ما به عنوان مادران طرفدار صلح.. با درخواست جلوگیری از اعدام کودکان زیر ۱۸ سال، به مراجع قضایی مراجعه می کنیم به کرات این موضوع به ما گوشزد می شود که بخش توسعه قضایی قوه قضاییه لایح لغو اعدام کودکان را چهار سال پیش به مجلس ارسال کرده است و شما از مجلس پیگیری کنید و ما به رغم پیگیری ها، نتیجه ای عایدمان نمی شود... چرا کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس این لایحه (لغو اعدام کودکان) را که بیش از یکسال است در اختیار دارد، درستوار کار خود قرار نمی دهد تا زندگی را به کودکان بیگانه ای که در حین بازی و دعوای خیابانی مرتکب جرم شده اند، باز گرداند؟ و لایحه ای را تصویب می کند که در آن با اجازه چند همسری به مرد، کودکان بیشتر مورد ظلم قرار بگیرند و در خانواده های ناپایدار عاری از عشق و محبت آینده ی نامعلومی داشته باشند.

دراومه مطلب بازهم به درستی اشاره می شود: "چرا در مجلس، دو فوریت طرح ارث زنان از زمین، رای نمی آورد در حالی که با تصویب این چنین قوانینی نیم بزرگی از جمعیت کشور به ویژه زنان روستایی یا به طور مثال زنان بم که شوهرانشان در اثر زلزله از دست رفته و خانه و کاشانه شان ویران شده و هیچ ارثی هم از زمین نمی برند را به زندگی امیدوار می کند....." در همین مطلب ضمن تاکید برگسترش مبارزه با طرح ارتجاعی "حمایت از خانواده" از تشکیل ائتلافی بزرگ علیه لایحه مذکور سخن به میان آمده و چنین ائتلافی را "شان رشد جنبش زنان در ایران" معرفی ساخته است! تجربه ثابت می کند، فقط با اتحاد و هماهنگی می توان در مقابل اقدامات رژیم ولایت فقیه ایستاد و مانع از تصویب و اجرای دیدگاه های واپس مانده و ضد مردمی آن شد. این امر در خصوص جنبش زنان و مخالفت با لایحه "حمایت از خانواده" نیز صدق می کند. به همین علت فراخوان ائتلاف گروه ها و فعالان جنبش زنان بر ضد لایحه مذکور که تحت نام "با پیوستن به ائتلاف مانع تصویب لایحه ضد خانواده شوید." اقدامی ارزشمند و مسئولانه و منطقی در قبال آینده کشور ارزیابی می شود. در بخشی از این فراخوان قید شده: "... دست یاری به سوی تمامی هموطنان دراز می کنیم، به سوی ایرانیان آزاده ای که به سرنوشت زنان کشورشان و نیز به زندگی عادلانه بین زن و مرد در خانواده بر مبنای انسانیت و عطف می اندیشند، از همه هموطنان از هر گروه و دسته ای، و با هر ایدئولوژی و مرام و از هر قوم و مذهب و جنسیتی... تقاضا داریم با پیوستن به این ائتلاف و به کارگیری تجربه و توان شان، برای جلوگیری از تصویب این لایحه، زنان هموطن خود را یاری دهند!"

بدون تردید مبارزه متحد و سازمان یافته به هر شکل ممکن توان نیروی جنبش مردمی سراسری را تقویت و مواضع و امکانات ارتجاع حاکم و بطور کلی رژیم ولایت فقیه را تضعیف و محدود می سازد، بنابراین مبارزه در چارچوب ائتلافی بزرگ بر ضد لایحه ضد انسانی و واپس مانده "حمایت از خانواده" از حمایت و پشتیبانی همه احزاب، سازمان ها و نیروهای آزادی خواه، ملی و مترقی برخوردار بوده و خواهد بود!

ضرورت مبارزه متحد بر ضد لایحه "حمایت از خانواده"

طرح و سپس تصویب لایحه "حمایت از خانواده" در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس هشتم با مخالفت فزاینده احزاب، سازمان ها و نیروهای ملی و ترقی خواه میهن ما و بویژه جنبش زنان روبرو گردیده و اعتراضات مختلفی را در سراسر کشور سبب شده است.

این طرح ضد انسانی که مسیر جامعه را به سمت قهقرا می برد و پیامدهای اجتماعی-فرهنگی و اخلاقی فوق العاده ناگوار آن تهدیدی جدی برای آینده قلمداد می شود، از هم اکنون با مقاومت تحسین برانگیزی مواجه است. بسیاری از فعالان جنبش زنان در هفته های اخیر خواستار گسترش مبارزه با این طرح ارتجاعی شده و بر لزوم مبارزه ای فراگیر و یکپارچه تاکید می کنند. اشاره و پافشاری بر یک مبارزه سراسری و سازمان یافته در مقابل طرح و تصویب "لایحه حمایت از خانواده" مساله ای با اهمیت محسوب می گردد، زیرا در اوضاع کنونی و فضای حاکم بر کشور، ارتجاع می کوشد به هر شکل ممکن حتی با اجرای مانورهای فریبکارانه طرح فوق و بطور کلی دیدگاه های واپس گراییانه و خطرناک خود را به جامعه تحمیل کند. بطور مثال پس از اعتراضات اولیه به طرح "حمایت از خانواده" و واکنش مثبت زنان، خصوصا زنان طبقات محروم جامعه به این اعتراضات، مترجمان حاکم با سنجش میزان مخالفت اجتماعی با این لایحه و با هدف فریب و مهار جنبش زنان اعلام داشتند، برخی نمایندگان مجلس و مسئولان قوه قضاییه به مواد ۲۳ و ۲۵ طرح مذکور ایراد و انتقاد داشته و تغییر این دو ماده در برنامه خود قرار داده اند. واقعیت این است که همه ایراد و اشکال وارد به لایحه "حمایت از خانواده" به مواد ۲۳ و ۲۵ خلاصه نمی شود.

روح حاکم بر این لایحه و دیدگاه و مطرح در آن شدیداً ضد انسانی، واپس مانده و کاملاً به سود نوکیسه گان و قشرهای متمول انگلی و دلال جامعه امروز ایران است. در لایحه "حمایت از خانواده" علاوه بر دو ماده ۲۳ و ۲۵ که به ترتیب مربوط به چند همسری و مالیات بر مهریه می باشد، ازدواج موقت یا همان صیغه که با نفرت اجتماعی نیز همراه است، با هیچگونه محدودیت و ضوابط قانونی سرو کار ندارد. به عبارتی لایحه ارتجاعی به اصطلاح "حمایت از خانواده" به مردان و البته مردان طبقات غارتگر "حق" می دهد تا صدها زن "صیغه ای" داشته باشند و این امر احتیاجی به ثبت ازدواج موقت هم ندارد. همچنین در لایحه، سرنوشت هزاران دختر و زن بی پناه طبقات زحمتکش و محروم که بر اثر فقر و نابرابری و بی عدالتی اجباراً وادار به ازدواج موقت می شوند، در هاله ای از ابهام قرار دارد. و معلوم نیست این زنان نگویند بخت پس از ازدواج موقت از چه حق و حقوقی برخوردار هستند و بدتر و ضد انسانی تر اینکه سرنوشت کودکان متولد از ازدواج های موقت (این رسم واپس مانده و ارتجاعی) فاجعه بار خواهد بود زیرا وقتی ازدواج موقت ثبت نمی شود چگونه می توان وضعیت کودکان را قانوناً و بطور رسمی اثبات کرد؟ شناسنامه برای آنها دریافت کرد؟ و هویت خانوادگی و حقوق اجتماعی آنان را معین ساخت! آیا این به معنی فروپاشی تزلزل ارکان خانواده و نابودی بنیان های جامعه نیست؟!

هزاران زن و کودک در اثر بی عدالتی و شکاف طبقاتی زیر عنوان "قانون حمایت از خانواده" از زندگی و هستی شرفتمندانه و سالم اجتماعی باز می مانند تا فقط کلان سرمایه داران و قشرهای انگلی و دلال طبقه سرمایه دار ایران از "چند همسری" و "ازدواج موقت" بهره مند شوند! این امر به معنای بروز آسیب های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی ژرف و هولناکی است که نمونه هایی از آن در جامعه کنونی به چشم می خورد و مایه نگرانی همه آنهاست که به سربلندی و شکوفایی و بالندگی میهن خود متعهد و وفادارند. علاوه بر همه این ها در مبارزه با این لایحه، برخی فعالان جنبش زنان و مبارزان صلح و ترقی اجتماعی که به راستی لبه نیز حملات خود را متوجه عملکرد ارتجاع حاکم می کنند و این پرسش به حق را مطرح می سازند که چرا لوایحی که برای حتی حمایت بخشی از حقوق زنان و کودکان به مجلس ارسال می شود، همیشه و برای مدت طولانی در کمیسیون های مختلف به بایگانی انتقال می یابند و عملاً شامل مرور زمان شده و به دست فراموشی سپرده می شوند ولی برخی لوایح مانند همین لایحه حمایت از خانواده به سرعت و با کسب دو فوریت از تصویب گذشته و برای تأیید نهایی آماده می شوند؟! در این خصوص در مطلبی به نام "لایحه حمایت از خانواده یا حمایت از مردان نوکیسه" که به تاریخ ۲۳ مرداد ماه در پایگاه خبری کانون



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

رژیم ولایت فقیه با این تدابیر می کوشد جنبش دانشجویی را تضعیف و توان و امکانات آن را به تحلیل برده و مانع از پیوند میان این جنبش با دیگر گردان های جنبش مردمی نظیر زنان و کارگران شود. ایجاد فضای امنیتی و پلیسی در دانشگاه ها و بازداشت و پیگرد فعالان دانشجویی، جنبش نیرومند و ریشه دار اجتماعی را سرکوب و متوقف سازد!



جنبش دانشجویی همچنان زیر فشار شدید امنیتی

ارگان های امنیتی-اطلاعاتی و نهادهایی چون بسیج دانشجویی، به رشته اقدامات هدفمند خود علیه فعالان جنبش دانشجویی به منظور ارباب و به تسلیم واداشتن این جنبش ادامه داده و در هفته های اخیر برداشته آن افزوده اند!

بنابراین گزارشات موثق، مانند اخبار منتشره در خبرنامه امیرکبیر، در روزهای گذشته بیش از ده تن از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم به دادگاه انقلاب اسلامی فرا خوانده شده و حکم ابطال مجوز فعالیت برخی تشکل های دانشجویی نیز صادر گردیده است. بر اساس گزارش خبرنامه امیر کبیر، علاوه بر احضار ۱۰ دانشجو به دادگاه انقلاب اسلامی، بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم به کمیته انضباطی دانشگاه فراخوانده و برای ۸ تن از این تعداد حکم منع موقت از تحصیل بدون احتساب سنوات صادر شده است. به این ترتیب سرکوب و اعمال فشار به جنبش دانشجویی که از بهار امسال به شکل سیستماتیک آغاز گردیده، با شدت ادامه دارد و ارگان های امنیتی با سوء استفاده از تعطیلات تابستانی به بازداشت فعالان شناخته شده مشغول هستند. در یک ماه گذشته، بویژه در روزهای اخیر، روند بازداشت و احضار به دادگاه انقلاب اسلامی و یا کمیته های انضباطی گسترش چشم گیر یافته و با برنامه ریزی و شدت بی سابقه ای دانشگاه های اراک، زنجان، مشهد، تبریز، شیراز و تربیت معلم کرج را دربر گرفته و موجی از نگرانی در میان خانواده های دانشجویان پدید آورده است!

علاوه بر اینها، مسئولان دانشگاه تهران اقدام به نصب و راه اندازی دروازه های امنیتی و کنترل اشخاص در جنب درب های دانشگاه و خوابگاه های دانشجویی کرده اند. خبرنامه امیر کبیر ۲ شهریور ماه در این زمینه نوشت: "درحالیکه در روزهای گذشته بازنشستگی اجباری ۲۱ اساتید برجسته دانشگاه تهران... موجی از اعتراضات را به همراه داشت، مسئولین دانشگاه تهران در روزهای گذشته گتبهای (دروازه های) امنیتی را در درب های ورودی دانشگاه نصب کردند. براساس این طرح دانشجویان در هنگام ورود به خوابگاه و دانشگاه کارت الکترونیک دانشجویی خود را وارد دستگاه می نمایند و براین اساس کلیه اطلاعات ورود و خروج و مدت زمان حضور آنها در دانشگاه و خوابگاه ثبت می شود. همزمان با این طرح طول نرده های حفاظتی اطراف خوابگاه و دانشگاه نیز در حال افزایش است و عملاً دانشگاه در حفاظی امنیتی قرار می گیرد...."

افزایش واردات کالاهای مصرفی

گمرک جمهوری اسلامی در آخرین گزارش خود از میزان صادرات و واردات کشور، نسبت به افزایش سرسام آور کالاهای مصرفی ابراز نگرانی کرده است.

مطابق گزارش گمرک، فقط در چهار ماهه نخست سال جاری، به موازات کاهش شدید رقم و نیز وزن واردات مواد اولیه صنعتی که به دلیل تحریم ها صورت گرفته، کالاهای مصرفی لوکس خارجی مانند انواع خودروهای شخصی، ماشین لباس شویی تمام اتوماتیک، موز، کره، یخچال های سایند بای سایند، سیکار، لوازم صوتی، لوازم دکوراسیون، لوازم آرایشی و نظایر آن، افزایش سرسام آور یافته است. پایگاه خبری تابناک ۲۱ مرداد ماه در این باره نوشت: "گمرک جمهوری اسلامی ایران با انتشار گزارش بزرگانی خارجی کشور در چهارماهه نخست سال جاری از کاهش واردات صنعتی و افزایش واردات مصرفی و کالاهای لوکس و تجملاتی خبر داد، بنابر این گزارش، واردات خودروهای سواری آخرین مدل خارجی طی چهار ماهه نخست امسال با رشد نود درصدی روبرو بوده و از ۱۱ هزار دستگاه در مدت مشابه سال قبل به ۲۱ هزار دستگاه رسیده است و این درحالیست که ارزش متوسط هر خودرو ۲۰ هزار دلار بوده است، بعلاوه ماهیانه به طور میانگین ۱۸ میلیون دلار موز وارد کشور می شود." همچنین روزنامه سرمایه ۱۳ مرداد ماه گزارش داد، مقامات دولت احمدی نژاد خواستار هشت میلیارد دلار بودجه مازاد برای واردات بنزین در سال جاری هستند. این روزنامه نوشت: "دیروز دوشنبه ۱۲ مرداد ماه، معاون وزیر نفت در امور پالایش و پخش فرآورده های نفتی در جمع خبرنگاران تاکید کرد، برای واردات بنزین تا پایان سال جاری به هشت میلیارد دلار بودجه مازاد نیاز است، یعنی دولت مایل به حداقل واردات ۱۱ میلیارد دلاری بنزین می باشد."

بر پایه آمار رسمی مصرف بنزین در سال جاری حدود ۷۰ میلیون لیتر است، درحالیکه این رقم در سال گذشته و در اولین ماه های سهمیه بندی بنزین، بطور میانگین ۶۰ میلیون در روز بود.

پرواضح است افزایش مصرف بنزین با افزایش واردات خودروهای سواری آخرین مدل ارتباط دارد. در حقیقت مردم میهن ما بویژه طبقات زحمتکش و قشرهای میانه حال جامعه قربانی تحمل پرستی و مصرف گرایی لایه های انگلی سرمایه داری ایران هستند که با اشتباهی سیری ناپذیر و با حمایت ارگان های حکومتی درآمد ملی و ثروت حاصل از فروش نفت را به حساب فقر و تیره روزی اکثریت جامعه بازور تصاحب و صرف زندگی تجملاتی خود می کنند.

واردات افسار گسیخته کالاهای مصرفی لوکس خارجی فقط و فقط در خدمت زندگی نو کیسه گان و لایه های انگلی ثروتمند کشور قرار دارد!

خواست های به حق فرهنگیان

شمار قابل توجهی از فرهنگیان کشور، طی ماه های اخیر با بر پای تجمعات اعتراضی نسبت به وضعیت نامناسب حاکم بر آموزش و پرورش و نیز معیشت خود واکنش نشان دادند. برخی فرهنگیان تهران، اصفهان و همدان با خواست افزایش دستمزد، لغو قراردادهای موقت و اصلاح نظام کنونی آموزش دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. بعلاوه آموزگاران حق التدریسی وزارت آموزش و پرورش در اقدامی سازمان یافته با برگزاری راه پیمایی در سطح برخی شهرها از جمله تهران خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده اند. در اواسط مرداد ماه امسال آموزگاران حق التدریسی استان لرستان در مقابل مجلس اجتماع کرده و استخدام رسمی کلیه شاغلین حق التدریسی را درخواست کردند که این حرکت اعتراضی بازتاب گسترده ای در رسانه های همگانی یافت. پایگاه خبری دسترنج ۲۰ مرداد ماه در این باره نوشت: "روزیکشنبه (۲۰ مردادماه) جمعی از معلمان حق التدریسی که از استان لرستان به تهران آمده اند در مقابل مجلس تجمع کردند، یکی از فعالان کانون صنفی معلمان با اعلام این خبر به دسترنج افزود، خواست اصلی این معلمان استخدام رسمی در وزارت آموزش و پرورش است. این چندمین اقدام اعتراضی از این دست طی روزهای گذشته است، معلمان حق التدریسی مناطق دیگر کشور نیز در روزهای پیش با تجمع در مقابل مجلس خواستار استخدام در

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

وزارت آموزش و پرورش شده بودند که تاکنون هیچ پاسخ مشخصی به این خواست های معلمان داده نشده است.

مسئولان وزارت آموزش و پرورش در مقابل این مطالبات به حق اعلام کرده اند، این وزارتخانه کسری بودجه دارد و لذا نمی تواند دستمزد آموزگاران و دبیران را افزایش داده و اقدام به استخدام آموزگاران حق التدریسی کند. و این درحالیست که علی احمدی وزیر آموزش و پرورش در اختتامیه اجلاس روسای آموزش و پرورش از استخدام افراد بسیج و طلاب حوزه علمیه قم در این وزارتخانه بویژه در معاونت امور پرورشی خبر داد. بنا به گزارش خبرگزاری فارس ۲۲ مرداد ماه وی یادآوری کرد: "گزینش معلمان نیاز به تجدید نظر دارد، سند فلسفه آموزش و پرورش توسط دولت بزودی نهایی می شود. ضابطه گزینش معلمان باید با ضابطه کارمندی تفاوت داشته باشد، حرکت ما به سوی تقویت تشکل های دانش آموزی و بسیج دانش آموزی و توسعه معاونت پرورشی ضمن استخدام طلاب و روحانیون است، ما مدارس غیر انتفاعی را توسعه و گسترش می دهیم و جهت گیری مدارس را از کنکور به زندگی (!!!) تغییر می دهیم." علاوه بر این در زمانی که مسئولان وزارت آموزش و پرورش به نام کمبود و کسری بودجه از استخدام آموزگاران حق التدریسی که برخی از آنان بیش از یک دهه سابقه کار دارند، خودداری می کند، مبالغ هنگفتی از بودجه این وزارتخانه به بسیج اختصاص می یابد. در این باره خبرگزاری فارس ۲۲ مرداد ماه نوشت: "بیش از ۳۰۰ میلیون تومان توسط آموزش و پرورش منطقه تهران به بسیج دانش آموزی اختصاص یافت که در ایام تابستان ۵۰۰ مدرسه را نوسازی کند. معلوم نیست بسیج دانش آموزی از چه دورانی تخصص نوسازی مدارس را کسب کرده که آموزش و پرورش فقط در تهران ۳۰۰ میلیون تومان از بودجه خود را در اختیار این ارگان انگلی و سرکوبگر قرار داده است.

چنین است واقعیت تلخ حاکم بر آموزش و پرورش و زندگی امنیت شغلی فرهنگیان که میریان نسل آینده و فردای کشور قلمداد می شوند. فرهنگیان کشور به حق خواستار افزایش دستمزد برابر با نرخ واقعی تورم، جلوگیری از خصوصی سازی آموزش، اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل، لغو قراردادهای موقت و استخدام همه آموزگاران حق التدریسی و جز اینها هستند. این خواست ها از حمایت کلیه احزاب و نیروهای ملی و ترقی خواه و جنبش های اجتماعی موجود کشور برخوردار است. مبارزه خستگی ناپذیر فرهنگیان بخشی از مبارزه گسترده مزدبگیران میهن ما بر ضد سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه است!

زحمتکشان با طرح تحول اقتصادی مخالفند

به موازات بحث پیرامون چگونگی اجرای طرح تحول اقتصادی در میان جناح های مختلف حاکمیت، طبقات و اقشار گوناگون جامعه نیز نسبت به این طرح واکنش به خرج داده و پیرامون آن به موضعگیری می پردازند، بسیاری از فعالین کارگری و مبارزان جنبش کارگری-سندیکایی این طرح را برای کارگران و زحمتکشان بسیار خطرناک ارزیابی می کنند. پایگاه خبری دسترنج ۲۱ مردادماه در این باره در گزارشی کوتاهی به عنوان "کارگران از تحول اقتصادی ضرر می بینند" از جمله نوشت: "به گفته یکی از فعالان سندیکایی در استان کردستان، اجرای طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها به زیان طبقات کم درآمد جامعه و بویژه کارگران است، به گفته وی در صورت حذف یارانه ها و پرداخت نقدی آن ها طبقات کم درآمد حتی قادر به تامین هزینه روزانه خود نیز نخواهند بود. هم اکنون که نان با یارانه دولت پخت و فروخته می شود، در برخی نانوائی ها با قیمت ۱۰۰ تومان به فروش می رسد، حال اگر یارانه ها حذف شود، قیمت نان نیز افزایش خواهد یافت، پرداخت نقدی یارانه ها به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای کارگران نیست، وقتی افزایش دستمزد نیروی کار در طول سال پاسخگوی افزایش نرخ تورم نیست، حذف یارانه توجیه درستی ندارد..."

علاوه بر این طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان حذف یارانه ها در صنایع تولیدی را نیز محکوم کرده و با آن مخالفت می کنند، زیرا با حذف یارانه ها صنایع داخلی دیگر توان رقابت با محصولات خارجی را نداشته و از این رو بسیاری از مراکز و کارخانجات صنعتی ورشکسته و نابود می شوند. خبرگزاری ایلنا ۲۲ مردادماه در این باره در گزارشی نوشت: "حذف یارانه ها سقوط صنایع را در پی دارد، دولت در شرایطی قصد حذف یارانه ها را دارد که در سه دهه اخیر نتیجه سیاست های اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی و تضعیف صنعت و تولید بوده است."

طرح تحول اقتصادی که بر دو پایه اصلی یعنی حذف یارانه ها و خصوصی سازی صنایع مادر و کلیدی قرار دارد به همان اندازه که از سوی انحصارات فراملی و کشورهای سرمایه داری پیشرفته مورد تشویق و حمایت قرار گرفته با مخالفت و اعتراض و مقاومت توده های وسیع جامعه مواجه است. این طرح نه تنها کارگران و زحمتکشان کشور را بیش از پیش در تاسمین حداقل زندگی با دشواری روبرو می سازد، بلکه تولید داخلی و صنایع ملی را نیز رو به اضمحلال برده و موفقیت و جایگاه امپریالیسم در حیات اقتصادی-سیاسی و فرهنگی را تقویت و تحکیم می نماید.

کارگران اولین قربانیان این طرح هستند و مخالفت رو به افزایش و هماهنگ آنها با این طرح ضد مردمی نقش موثر این طبقه را در مجموعه جنبش مردمی کنونی اثبات می کند.

جشنواره کمونیست، یاد کرد بیستمین

سالگرد فاجعه ملی و همبستگی با

مبارزات مردم ایران

"جشنواره کمونیست" در روزهای ۲۶ و ۲۷ مرداد (۱۶ و ۱۷ آگوست ۲۰۰۸) در قلب شهر گپنهاگ پایتخت دانمارک برگزار شد.

در جشنواره امسال علاوه بر کمونیست ها، احزاب و نیروهای چپ، تعدادی از سندیکاهای کارگری، جنبش مردمی برضد اتحادیه اروپا و انجمن های مختلف مردمی حضور و فعالیت چشم گیری داشتند و همین امر سبب استقبال گسترده مردم از جشنواره امسال بود. شعارهای اصلی جشنواره امسال "مبارزه با اتحادیه اروپا و قرارداد لیسبون، خواست خروج نیروهای نظامی دانمارک از افغانستان و خواست آزادی ۵ کوبایی زندانی در آمریکا" تعیین شده بود و کمونیست ها با جلب انجمن ها و سازمان های مردمی صلح طلب، ضد جنگ و ضد اتحادیه اروپا کارزار وسیع تبلیغاتی را حول این شعارهای اصلی سازمان دادند. علاوه با توجه به صدنود مین سالگرد تولد کارل مارکس و با هدف ترویج اندیشه های او، برنامه های ویژه ای تدارک دیده شده بود که شامل مباحث ایدئولوژیک-سیاسی با تمرکز بر روی جوانان بود. حضور قابل توجه جوانان خصوصا دانشجویان و کارگران به جشنواره امسال کمونیست سیمایی جوان و شاداب بخشیده بود. حزب توده ایران با برپایی غرفه، حضوری فعال در جشنواره داشت، غرفه حزب به مناسبت بیستمین سالگرد فاجعه ملی با پوستر زیبای حزب توده ایران به این مناسبت و شعار: "کارگران همه کشورها متحد شوید" و "جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم ولایت فقیه" تزئین شده بود که با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردید. در جریان برنامه های جشنواره رفیق بتی فروتنزیبارگ کارسون رهبر کمونیست های دانمارک از غرفه حزب دیدن کرد و ضمن گفتگو با رفقای حزبی باردیگر بر همبستگی کمونیست ها و نیروهای چپ دانمارک با مبارزات مردم ایران برضد مداخلات و تهدیدهای امپریالیسم و سیاست های سرکوبگرانه ارتجاع حاکم تاکید کرد. وی همچنین در بیستمین سالگرد فاجعه ملی بار دیگر مراتب همبستگی و همدردی عمیق خود و حزب کمونیست دانمارک را با حزب توده ایران و نیز همه میهن پرستان ایرانی که در کشتار دستجمعی سال ۱۳۶۷ رهبران کادرها و اعضا و هواداران خود را از دست دادند اعلام کرد.

همچنین سخنرانی نماینده کوبای سوسیالیستی در جشنواره انعکاس تبلیغاتی گسترده ای یافت، خصوصا سیاستگزاری او از فعالیت کمونیست های دانمارک در دفاع از کوبا و همبستگی با ۵ کوبایی زندانی در آمریکا در رسانه های همگانی بازتاب یافت.

جشنواره کمونیست دریایان با برنامه ریزی برای مبارزه تبلیغاتی کمونیست ها در انتخابات آینده شهرداری ها و ضرورت جلب حمایت زحمتکشان از نامزدهای کمونیست در فضایی آکنده از امید به آینده پایان پذیرفت!

طبقه و ساخت طبقاتی جامعه

بحث در مورد طبقه و ماهیت و منشاء آن یکی از موضوعات رایج و در عین حال پر اهمیت در برخورد های نظری-سیاسی احزاب و سازمان های چپ و ترقی خواه میهن ما محسوب می گردد.

اینگونه بحث و برخورد های نظری عموماً با پرسش هایی همراه است که برخی عبارتند از: آیا طبقه و ساخت طبقاتی جامعه مینا و پایه علمی دارد؟ آیا کشف طبقات متعلق به مارکسیسم است؟ و اصولاً تعریف مارکسیستی طبقه چیست و آیا این تعریف با جامعه امروزی بشر در سده بیست و یکم انطباق می یابد؟ و نیز این پرسش کلیدی که آیا تئوری ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی موضوعیت علمی خود را حفظ نموده یا نه؟! از آنجا که پرسش هایی از این دست بویژه از سوی نسل نو مبارزان راه سوسیالیسم و عدالت اجتماعی، جوانان پر شور و آرمان گرایی که در دوران دشوار و نامساعد کنونی به صف مبارزه پیوسته اند مطرح می گردد، توضیح هر چند فشرده اما علمی از مقوله طبقه و ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی بر پایه جهان بینی مارکسیستی-لنینستی ضرور می باشد. بویژه آنکه اکنون ما در سطح جهان و از جمله ایران با یورش گسترده ایدئولوژیک-تبلیغاتی سرمایه داری که در دوران جهانی شدن منکر وجود طبقات و تضاد و اختلاف طبقاتی است روبرو هستیم. امروزه انواع تئوری های جامعه شناسی معاصر بورژوازی در باره ساخت جوامع بشری با آزادی کامل و از راه های گوناگون در جامعه ایران و در بین جوانان رواج داده می شود، نظریه پردازان چنین تئوری هایی که وجود طبقات را نفی کرده و منکر ساختمان طبقاتی جامعه معاصر سرمایه داری هستند، در تبلیغ و ترویج نظریات خود با موانعی برخورد نمی کنند ولی مارکسیسم همچون دهه های گذشته از این امکان برخوردار نیست و نظریه پردازان و مبلغان و مروجان اندیشمند و مردم دوست آن از بدیهی ترین حقوق محروم هستند! به هر روی در خصوص آشنایی با "تازه ترین" نظرات جامعه شناسی بورژوازی در خطوط کلی آن می باید تاکید کرد، این نظرات وجود حرکت تکاملی پیش رونده تاریخ را باطل و نادرست ارزیابی کرده و تمام روند تکامل تاریخی را به طور عمده در چارچوب تحولات در عرصه فن آوری محدود می سازد!! به علاوه ساختمان طبقاتی جامعه معاصر سرمایه داری نفی و انکار می شود و تنها لایه بندی اجتماعی، یعنی وجود گروه های شغلی یا روحی مورد قبول واقع می گردد.

در این تئوری ها تاکید می شود در جامعه امروزی بشر با توجه به سطح بالای فن آوری (تکنیک) ما با تضاد و مبارزه طبقاتی مواجه نیستیم، تنها تحرک اجتماعی وجود دارد که سبب بروز اصطلاح میان لایه های اجتماعی می شود و بنابر این تضاد غیر قابل حلی در جامعه وجود ندارد و اساس تقسیم بندی امروزی جوامع سرمایه داری بویژه کشورهای پیشرفته بر مشاغل، حرفه ها، عقاید و روحیات قرار می گیرد. چنین نظرات و تئوری هایی از آنجا که در مقیاس بسیار گسترده و باور نکردنی تبلیغ می شوند، متأسفانه بخش هایی از افراد و سازمان های مردمی و چپ و مترقی کشور را کم و بیش تحت تاثیر خود قرار داده و سبب آشفته اندیشی ایدئولوژیک-سیاسی آنها و در نتیجه تضعیف دمکراتیسم ریشه دار ایرانی، شده است که نباید از آن بی تفاوتی و یا به سادگی گذشت. بنابر این پرداختن به موضوع فوق العاده مهم، طبقه و ساخت طبقاتی جامعه ضرورتی تام و تمام دارد.

بر خلاف تصور بسیاری، کشف طبقات به مارکسیسم تعلق ندارد. پیش از مارکس و انگلس برخی اندیشمندان به وجود طبقات در جامعه پی برده بودند. کارل مارکس در نامه ای به سال ۱۸۵۲، با صراحت اعلام می کند که کشف طبقات از آن او نیست، ولی مارکس نخستین دانشمندی است که اثبات کرد وجود طبقات تنها با مراحل تاریخی معین تکامل تولید مربوط است و همچنین این نتیجه دایمانه را گرفت که تنها طبقه رنده یابنده جامعه سرمایه داری، یعنی طبقه کارگر است که می تواند جامعه طبقاتی را از طریق استقرار حاکمیت خود ملغی سازند.

از این رو مارکسیسم معتقد است، طبقات همیشه و از همان آغاز پیدایش جامعه بشری وجود نداشته و دو مقوله جامعه و طبقه لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. تقسیم جامعه به طبقات، در یک مرحله معین از تکامل تاریخی، برشالوده سطح معینی از رشد نیروهای مولده، انجام گرفت. پایه اقتصادی پیدایش طبقات عبارت بود از پیدایش تقسیم کار اجتماعی و مالکیت بروسایل تولید!

بطور کلی طبقه اجتماعی عبارت است از گروه بزرگ انسان ها که دارای شاخص و

خصوصیت های اجتماعی مشترک هستند، چهار شاخص عمده در تعریف طبقه بعنوان یک مقوله اجتماعی وجود دارد که عبارتند از: نخست، جا و مقامی که افراد در نظام تولیدی معین به خود اختصاص داده اند، برای شناخت هر طبقه باید اول به مقام و جای آن را در سیستم معین تولیدی در نظر گرفت. دوم، مجموعه، مناسبات و رابطه ای است که گروه مورد نظر از افراد انسانی با تولید دارد، به این معنا که در تعیین هر طبقه و تعلق طبقاتی افراد باید در نظر داشت که این افراد دارای مالکیت بر وسایل تولید هستند یا نه و چه نوع مالکیتی و در چه حدی در اختیار دارند. سوم، نقش و جایگاه افراد در سازمان اجتماعی کار است. در صورت بندی های مختلف هر طبقه دارای نقش معینی در سازمان اجتماعی کار است.

و سرانجام چهارمین شاخص، چگونگی به دست آوردن بخشی از ثروت های جامعه و مقدار این بخش یا به عبارت دیگر چگونگی توزیع نعم مادی است. به این ترتیب کشف پایه عینی تقسیم جامعه به طبقه در عرصه تولید مادی در جامعه شناسی متعلق به مارکسیسم است.

دقیق ترین و جامع ترین تعریف مقوله طبقه و طبقات اجتماعی را لنین به دست داده است، و خاطر نشان ساخته، طبقات گروه های بزرگ انسان ها هستند که از جهت جای خود در سیستم تولید اجتماعی دوران معین تاریخی، از جهت رابطه خود با وسایل تولیدی که اغلب در قوانین تسجیل و فرموله می شود، از جهت نقش خود در سازمان اجتماعی کار و بنابر این از جهت شیوه های دریافت و میزان آن سهمی از ثروت های اجتماعی که در اختیار دارند از یکدیگر متمایز می گردند. طبقات آن چنان گروه هایی هستند که گروهی از آن ها می توانند به برکت اختلاف مقام در شیوه معین اقتصادی-اجتماعی، ثمره کار گروه دیگر را به تصاحب خود در آورند.

مقوله طبقه را باید به مفهوم علمی و بنابر چنین تعریفی درک کرده و به کار برد. درست بر پایه چنین تعریفی از طبقه و ساخت طبقاتی جامعه است که، مارکسیسم مبارزه طبقاتی را نیروی محرکه اساسی در تمام جوامع تقسیم شده به طبقات می داند. مبارزه طبقاتی نه یک پدیده تصادفی ویا گذرا که به میل این و یا آن طبقه و حزب انجام می گیرد، بلکه یک قانون عینی تکامل تاریخ و اجتماع است.

اهمیت تئوری ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی چنان است که لنین آن را تئوری راهنما و راهگشا در پیچ و خم آشفته گی های ظاهری جامعه می خواند. برخورد طبقاتی و تحلیل طبقاتی از روندهای اجتماعی، کنه بسیاری از رخ داده ها را آشکار می سازد. در اینجا ما با یک بحث فوق العاده مهم مواجه می شویم و آن دوری جستن از برخورد مکانیکی و خشک با تئوری مارکسیستی مبارزه طبقاتی است. در عرصه عمل سیاسی و در اتخاذ مشی اصولی این دوری جستن حائز اهمیت فراوانی است.

نباید با استناد به این تئوری ساختمان طبقاتی جامعه را تا حد کپی برداری و کلیشه سازی بی محتوی تنزل داده و ضمن تحلیل و توضیح پدیده های اجتماعی و نقش این یا آن طبقه دچار برخورد مکانیکی شد.

بنابر این تاکید بر اینکه مختصات عمومی که مارکسیسم-لنینیسم برای طبقات ذکر می کند با در نظر گرفتن تنوعی که در زمان و مکان پیدا می شود، صحیح و علمی است، تاکید بیهوده ای نمی باشد. باید به یاد داشت در انطباق تئوری ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی همواره واقعیت های مشخص و ویژگی های هر جامعه به دقت مورد توجه قرار گیرد. طبقات در جوامع مختلف ویژگی های خود را دارند و این ویژگی ها، علی

ادامه طبقه و ساخت طبقاتی ...

رغم حفظ ماهیت مشترک، بروز می کند. نادیده انگاشتن این مجموعه عوامل و ویژگی ها سبب خطاهای تاکتیکی و اشتراکاتژیکی فوق العاده زیانبار در مبارزه می شود.

در اوضاع کنونی نمونه های قابل تاملی از این انحراف یعنی برخورد سطحی و مکانیکی با تئوری ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی در میان برخی جریانها و محافل دیده می شود. به عنوان نمونه کلیشه سازی از قانونمندی های عام و درک مکانیکی از آرایش طبقاتی جامعه و نمایندگان سیاسی طبقات و لایه های گوناگون به ویژه نیروهای حاکمیت سبب نوعی انحراف در زیر پوشش شعارهای "انقلابی" و "طبقاتی" گردیده که تصادمات و برخوردهای درون حکومتی "مبارزه" و یا "مقاومت"، "ضد امپریالیستی" و "ضد سرمایه داری" ارزیابی می گردد و کار به حمایت و پشتیبانی از باندهای ارتجاعی و ضد مردمی می کشد. نباید فراموش کنیم در جوامعی نظیر جامعه ما، روندهای سخت درهم تنیده و متناقض، بسیار به چشم می خورد، به قول رفیق طبری: "در جوامع کم رشد که در کار انتقال از ساخت طبقاتی جامعه کهن... به ساخت طبقاتی جامعه سرمایه داری هستند، از جهت این ساخت، حالات انتقایی، حالات مغشوش ... در این جامعه ها زیاد دیده می شود که ایدئولوژی انقلابی یا ضد انقلابی را متعلقان به طبقاتی که باید با این یا آن ایدئولوژی مخالف باشد، می پذیرند، احزاب و گروه ها در این جوامع غالباً تلفیقی موقت و مکانیکی از قشرها و طبقات مختلف اند و لذا پیوند درونی آنها سست و استواری آنها اندک است."

در دوران کنونی در جوامعی نظیر جامعه ایران به لحاظ ساخت طبقاتی آن، جریانها واپس گرا و ضد مردمی امکان و زمینه عینی و ذهنی فعالیت زیر نام و شعارهای عوام فریبانه و دروغین را به میزان قابل توجهی دارا هستند. این جریانها در حرف دم از عدالت و آزادی می زنند ولی در عمل اجتماعی در خدمت کلان سرمایه داری قرار دارند و یا قرار می گیرند. تجربیات تاریخی کشور ما در این زمینه کم نیست. یکی از آخرین نمونه های این پدیده، دولت ضد ملی احمدی نژاد است که در پس شعارهای توخالی و فریبنده خدمتگذار سرمایه داری بزرگ تجاری و لایه های انگلی طبقه سرمایه دار ایران است. عدم رشد نیروهای مولده، عقب ماندگی اقتصادی-اجتماعی به ویژه پس از اجرای سیاست تعدیل اقتصادی که اثرات مخرب و بسیار ناگواری در ساخت طبقاتی جامعه ایران باقی گذارده که می توان در این زمینه به تضعیف کمی و کیفی طبقه کارگر، اضمحلال تولید و صنایع تولیدی، رواج اقتصاد دلالی و روحيات و فرهنگ ناشی از آن، تمایل به مصرف، بی ارتباط با تولید داخلی و افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی بخش کوچکی از جمعیت که عمدتاً دارای مشاغل خدماتی هستند، گسترش ناموزون لایه های بینابینی جامعه در اثر فروپاشی تولید و جز اینها، اشاره داشت.

مارکسیسم-لنینیسم همواره بر درک و انطباق صحیح، همه جانبه و خلاق و مشخص تئوری ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی با هر جامعه مفروض و معین تأکید داشته و دارد. حزب توده ایران نیز در این زمینه، ضمن مبارزه ایدئولوژیک با جریانها و محافلی که منکر قانونمندی های عام و جهانشمول و مفهوم طبقه و ساخت طبقاتی جامعه هستند، با برداشت سطحی، دگم و مکانیکی از این تئوری مبارزه کرده و خواهد کرد.

حزب ما در تعیین سیاست های خود همواره با ملاک قراردادن تئوری ساخت طبقاتی جامعه و مبارزه طبقاتی از برخورد سطحی و کلیشه ای احتراز جسته و در پی انطباق خلاق این تئوری راهگشا و علمی با جامعه ایران و خود ویژگی های منحصر بفرد آن بوده است. چنین است اسلوب علمی حزب توده ایران در میدان عمل اجتماعی پیچیده و پر تنش این مقطع حساس تاریخ ایران!

پس از مافیای شکر، نوبت به مافیای روغن رسید!

واردات گسترده و پر حجم روغن خوراکی به کشور اعتراض کشاورزان و انجمن صنایع تولید روغن خوراکی را در پی داشت. این اعتراض ها در هفته های اخیر به اوج خود رسید و در استان های ایلام، گیلان و هرمزگان منجر به تحصن گروهی از کشاورزان و کارگران شاغل در این صنعت شد. اعتراضات زمانی شدت گرفت که رییس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی ایران ضمن حمایت صریح از تجار و وارد کنندگان روغن خوراکی به کشور، تولید این محصول بسیار حیاتی و استراتژیک در داخل را به باد انتقاد گرفته و فعالیت کشاورزان و صنایع تولیدی آن را غیر ضرور برای ایران ارزیابی کرد. البته رییس انجمن تولید کنندگان روغن خوراکی و روغن زیتون در مصاحبه ای با روزنامه سرمایه به حق و به درستی اتاق بازرگانی این لانه سرمایه بزرگ تجاری ایران را مورد خطاب قرار داد و پرسید اگر تولید روغن خوراکی در کشور ضروری نیست، پس چرا هر سال میلیارد ها دلار روغن خوراکی توسط تجار و شرکت های تجاری به کشور وارد می شود، چرا محصول ملی و ایرانی ضروری نیست ولی محصول بیگانه ضروری و خوش طعم معرفی می شود؟! به هر روی پس از شکر و ورشکسته ساختن کارخانجات تولید شکر توسط تجار عمده با حمایت دولت احمدی نژاد، اینبار نوبت به کشاورزان و تولید کنندگان روغن خوراکی بویژه زیتون رسیده است تا ورشکسته و نابود شوند. فراموش نکنیم، واردات روغن خوراکی به کشور طی ۲ سال اخیر پس از شکر و گندم در صدر لیست واردات به داخل قرار دارد و سالیانه میلیاردها تومان سود خالص به جیب دلالان و تجار بزرگ سرازیر می کند و به موازات آن هزاران کشاورز و کارگر از هستی ساقط و به ورطه فقر رانده می شوند.

در این خصوص روزنامه سرمایه ۲۱ مرداد ماه در گزارشی نوشت، همزمان با خسارت ۵۰ درصدی باغ های زیتون و نابودی ۲۰ درصد آنها، ۵ هزار تن روغن زیتون با معافیت گمرکی (خوب توجه کنید با معافیت) وارد می شود.

مطابق آمار انتشار یافته در این گزارش روزنامه سرمایه، در حال حاضر سطح کشت زیتون در ایران کمی بیش از ۱۰۵ هزار هکتار است و بیش از ۳۶ واحد صنعتی-تولیدی در استان های زیتون خیز با سرمایه ۱۰۰ میلیون دلاری احداث شده که حدود ۱۲ هزار نفر کارگر و صدها مهندس و متخصص در سراسر کشور در این واحدها مشغول به کار هستند. میزان فرآوری و بسته بندی و کنسرو سازی زیتون، ۲۲ هزار تن در سال است. امسال با خسارت ۵۰ درصدی باغ های زیتون، علیرغم درخواست های مکرر، دولت و وزارت جهاد کشاورزی از اختصاص وام و اعتبارات مالی برای جلوگیری از ورشکستگی کشاورزان و ممانعت از گسترش خسارت، خودداری کرده و به جای آن با حمایت اتاق بازرگانی وام های کلان با بهره های کم در اختیار تجار عمده برای واردات روغن خوراکی و روغن زیتون قرار داده و معافیت گمرکی را نیز موقتاً لغو کرده است.

کشت محصولاتی چون ذرت و زیتون به لحاظ استراتژیک بخشی از تامین امنیت غذایی هر کشور محسوب می شود. صنایع تولیدی مرتبط با این محصولات در همه جای جهان از زمره صنایع با اهمیت و مورد توجه هستند، زیرا در زندگی روزانه و تغذیه افراد جامعه نقش درجه اول دارند. اینک مافیای وابسته به سرمایه بزرگ تجاری دست در دست انحصارات امپریالیستی، کشت و تولید این محصولات در داخل را هدف قرار داده و کشور ما در تامين روغن خوراکی نیز به انحصارات و دولت های امپریالیستی وابسته شده و می شود!

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

وزارت کار کدام هدف را دنبال می کند؟!

ندارد. در این باره معاون سازمان تامین اجتماعی در تشریح لایحه فوق گفته بود: "در سیستم زمان بندی برای دوران مشارکت بیمه شده در پرداخت حق بیمه امتیاز مطلق در نظر گرفته می شود که در امتیاز مورد نظر، در واقع بر این اساس است که فرد در طول دروه کار خود، چند برابر حداقل دستمزد، حق بیمه پرداخته است و این امتیاز کسب شده توسط فرد بیمه شده همواره تا آخر عمر عدد ثابتی خواهد بود و در طول زمان درگرو تورم نخواهد بود..."

حال باید پرسید با چنین محتوی چگونه روشی باید اتخاذ کرد که حقوق کارگران و زحمتکشان در دوران بازنشستگی تامین و تضمین شود؟ و آیا اصولا امکان بکارگیری روش دیگری در این چارچوب وجود دارد؟ بی جهت نیست که فعالان جنبش سندیکایی به حق به این لایحه و کلیه تغییر و اصلاحات وزارت کار اعتراض داشته و با آن مبارزه می کنند. درباره این لایحه یکی از فعالان سندیکایی خاطر نشان ساخته: "لایحه اصلاح حقوق بازنشستگی و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی درست خلاف شعارهای عدالت محوری دولت نهم است، وقتی مبنای مستمری بیمه شده مجموع بیمه پرداختی یک فرد باشد، محاسبه آن کار بسیار سختی است و باعث سقوط سطح دستمزد ها می شود. در حال حاضر هم دستمزد بازنشستگان با تورم موجود تناسب ندارد و بازنشستگان قدرت خرید ندارند."

یکی از نکات شگفت آور در قانون جامع وزارت رفاه و تامین اجتماعی که قرار است با تغییر و اصلاح قوانین برآمور مربوط به تامین اجتماعی، بیمه و حقوق بازنشستگی ناظر باشد، ماده ۱۷ این قانون است که شرط عضویت نماینده کارگران در نهاد تامین اجتماعی را مدرک تحصیلی فوق لیسانس قرار داده است. سندیکاهای مستقل و کلیه تشکل های کارگری با قاطعیت خواستار حذف این ماده هستند زیرا با قرار دادن مدرک تحصیلی در حد فوق لیسانس عملا هیچ کارگری و نمایندگان سندیکاهای نخواهند توانست در نهاد تامین اجتماعی حضور داشته باشند. در ارتباط با حضور و شرکت نمایندگان کارگران در ارگان ها، سازمان ها و نهادهایی که به شکل مستقیم و غیر مستقیم با زندگی و کار زحمتکشان سرو کار دارد، جنبش سندیکایی زحمتکشان به درستی خواستار رعایت منشور جهانی حقوق سندیکایی و پایبندی به مقوله نامه های بین المللی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی است، این امر شامل تغییر و اصلاح قوانین تامین اجتماعی، اصلاح قانون کار و نظایر می شود. اما واقعیت اینست که بدون مبارزه ای سازمان یافته و متشکل نمی توان به این مقصود رسید، دولت احمدی نژاد و به ویژه وزارت کار این دولت در خصوص حقوق زحمتکشان سیاست و اهداف معینی را دنبال می کنند که در پیوند با برنامه اصلاح ساختار اقتصادی و طرح تحول اقتصادی قرار دارد. بی دلیل نیست که همزمان با تدارک مقدمات اجرایی کردن طرح تحول اقتصادی مساله اصلاح قانون کار و تغییر و اصلاح قوانین تامین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و جز اینها مطرح می گردد.

چهرمی، وزیر کار در مصاحبه ای که روزنامه سرمایه ۲۳ مرداد ماه آن را درج کرده، اعلام می کند: "اگر دولت و کمیسیون اجتماعی دولت بخواهند اولویت اصلاح قانون کار را در نظر بگیرند می توان به اصلاح این قانون در سال جاری امیدوار بود." این امیدواری البته بی علت نیست، تغییر و اصلاح قوانین مربوط به کار و زندگی کارگران و زحمتکشان بخشی از سیاست کلی اصلاح ساختار اقتصادی و طرح تحول اقتصادی است، بنابراین تاکید بر این واقعیت که وزارت کار دولت ضد مردمی احمدی نژاد عودانده و در پس شعارهای عوام فریبانه کدام اهداف را تعقیب می کند و این اهداف منافع چه طبقات اجتماعی را تامین و به زیان چه طبقاتی است، چندان دشوار نیست!

از مدتی پیش به موازات طرح اصلاح قانون کار، وزارت رفاه و تامین اجتماعی و وزارت اقتصاد و دارایی طرح هایی را در زمینه اصلاح برخی قوانین که رابطه مستقیم با روابط کار و زندگی کارگران و زحمتکشان دارند، در دستور کار خود قرار داده اند، که می توان از جمله از اصلاح لایحه مستمری بگیران تامین اجتماعی، وضعیت شرکت های بیمه کار و موضوع ماده ۱۷ قانون جامع وزارت رفاه و تامین اجتماعی نام برد.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با این لویح و تغییرات در قوانین به شدت مخالف بوده و خواستار مشارکت نمایندگان واقعی خود، یعنی سندیکاهای مستقل در تدوین و اصلاح قوانین هستند. چندی پیش محمد جهرمی وزیر کار دولت احمدی نژاد طی دیداری با هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی سراسر کشور در خصوص مسایل بنیادین مربوط به زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان مواضع رسمی ارتجاع حاکم در این باره را بازگو ساخت. خبرگزاری ایلنا، ۲۴ مرداد ماه در گزارشی پیرامون سیاست های دولت احمدی نژاد در ارتباط با منافع و حقوق کارگران از جمله خاطر نشان کرد: "در نشست هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی با وزیر کار، مسایل روز جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) از جمله لایحه مستمری بگیران تامین اجتماعی، لغو شرکت های پیمانکاری و توقف اجرای ماده ۱۷ قانون جامع وزارت رفاه مورد بررسی قرار گرفت. عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران... گفت در این جلسه به بررسی مشکلات پرداخته و پیگیری مسایل را برعهده وزارت گذاشتیم."

بر اساس اخبار و گزارشات رسمی انتشار یافته، وزارت کار و شخص وزیر کار نسبت به مسایل و معضلات کارگران و زحمتکشان سیاست مشخص و هدفمندی را دنبال می کند. این سیاست در چارچوب برنامه اصلاح ساختار اقتصادی و طرح تحول اقتصادی قرار داشته و کاملا ضد کارگری است. اخیرا وزارت کار و امور اجتماعی همراه با وزارت رفاه و تامین اجتماعی لایحه تغییر قوانین تامین اجتماعی را تدوین و آماده کرده اند. این لایحه ماهیت و سمت گیری سازمان تامین اجتماعی را بکلی تغییر داده و نقش نمایندگان طبقه کارگر را در این سازمان با اهمیت از میان برداشته و بی خاصیت می سازد. در این خصوص ایلنا ۲۴ مرداد ماه از قول فعالان کارگری نوشت: "انتشار روزنامه خورشید از سوی سازمان تامین اجتماعی با هدف تغییر قوانین این سازمان و در راستای توسعه وزارت رفاه و تامین اجتماعی است، تبدیل هفته نامه آتیه به روزنامه خورشید (نشریه سازمان تامین اجتماعی) نه تنها مورد رضایت کارگران نیست بلکه هزینه های زیادی را بر سازمان تحمیل خواهد کرد."

تغییر و اصلاح قوانین که اینک شامل سازمان تامین اجتماعی گردیده، لطمات جبران ناپذیر به امنیت شغلی و سطح زندگی زحمتکشان وارد می سازد. درباره همین لایحه مستمری بگیران تامین اجتماعی و چگونگی محاسبه حقوق بازنشستگی، فعالان سندیکایی نظرات مخالف خود را ابراز کرده و خواستار مبارزه ای جدی با این گونه اقدامات شده اند. در جلسه ای هم که وزیر کار با هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی داشت، برخی مسئولان وزارت کار و شوراهای اسلامی با درک و تشخیص ژرفای مخالفت زحمتکشان با لویح اخیر و بطور کلی تغییر و اصلاح قوانین با صراحت نگرانی خود را بیان و بکارگیری روش هایی را که کمتر واکنش برانگیز می باشد. توصیه کردند، بطور مثال یکی از اعضای شوراهای اسلامی یادآوری کرده است: "این لایحه محاسبه حقوق بازنشستگان و اصلاح لایحه مستمری بگیران مثبت است و هدفش برقراری عدالت در حقوق بیمه شدگان است و دولت منافع بیمه شدگان را در نظر دارد اما باید روش کار را در این لایحه تغییر داد به طوری که ضرری به حقوق کارگر وارد نیاید، نباید حقوق بازنشستگی نسبت به دوران اشتغال کمتر باشد ما خواستار ایجاد فرمولی هستیم که منافع تامین اجتماعی را مشخص کنیم و از این طریق حقوق کارگر را در بازنشستگی تضمین کند." باید تاکید کنیم، طبق لایحه دولت نه تنها حقوق کارگر در دوران بازنشستگی تضمین نمی شود، بلکه هیچ ماده و تبصره ای هم برای افزایش حقوق بازنشستگان مطابق با نرخ واقعی تورم در لایحه وجود

ادامه ارزیابی ولی فقیه ...

سال آخر با روحیه‌ی سال اول کار کنید. البته احساس می‌کنم همین جور است؛ اما در عین حال تأکید می‌کنم. فکر نکنید که امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل کسی که پنج سال دیگر بناست کار بکند، کار بکنید؛ یعنی تصور کنید که این یک سال به اضافه‌ی چهار سال دیگر در دید مدیریت شماست. با این دید نگاه کنید و کار کنید و برنامه‌ریزی کنید و اقدام کنید." (همانجا)

دفاعیات تبلیغاتی خامنه‌ای از عملکرد دولت احمدی نژاد، حتی برای شماری از سران رژیم نیز قابل قبول نیست. راستای عمده سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی دولت احمدی نژاد سرازیر کردن درآمد هنگفت نفت به جیب شمار اندکی از رهبران سپاه و دیگر سران نیروهای سرکوبگر و کلان سرمایه داری تجاری کشور بوده است، که به باور بخش بزرگی از کارشناسان اقتصادی، تنها ثمره اش تشدید بیش از پیش فقر و محرومیت میلیون‌ها ایرانی، تشدید بیکاری و افزایش تورم مخرب بوده است. تنها دست آورد دولت احمدی نژاد، همان طور که خامنه‌ای هم به آن به شکل غیر مستقیم اشاره می‌کند، بستن فضای سیاسی کشور و تشدید اختناق و یورش به نیروهای‌های اجتماعی، خصوصاً جنبش کارگری، جوانان و دانشجویان و جنبش زنان کشور است.

دانشجویان و جنبش زنان کشور است. نکته قابل توجه در سخنان خامنه‌ای دفاع آشکار او از دولت ارتجاعی و ضد مردمی بی‌است که در یک انتخابات سراسر تقلب، با اتکاء به دخالت‌های آشکار نیروهای نظامی و انتظامی، توانست بر کرسی ریاست جمهوری بنشیند. معنای این سخنان چیزی جز برنامه سران ارتجاع، و در رأس آن ولی فقیه رژیم برای تکرار این سناریو و ادامه کار دولت احمدی نژاد برای چهار سال دیگر نیست.

شماری از رهبران اصلاح طلبان حکومتی در هفته‌های اخیر بر ضرورت حرکت مشترک و به توافق رسیدن بر سر یک نامزد واحد، یعنی سید محمد خاتمی، به عنوان یگانه مانع دست یابی مجدد احمدی نژاد به کرسی ریاست جمهوری تأکید کرده‌اند.

بدون ارزیابی اشتباهات گذشته و درس‌گیری از آنها نمی‌توان با خوش بینی به سوی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آینده رفت. ارتجاع، همان طور که از سخنان خامنه‌ای می‌توان استنباط کرد مصمم است تا تجربه انتخابات گذشته، و همچنین انتخابات اخیر مجلس را تکرار کند. بدون بسیج نیروهای مردمی، بدون مخالفت وسیع با دخالت‌های شورای نگهبان و نیروهای نظامی و انتظامی در انتخابات، و تجهیز افکار عمومی برای مقابله با این سیاست‌ها نمی‌توان با سیاست "آرامش فعال" و در واقع "تصحیح" به مقابله با سیاست‌های ارتجاع حاکم رفت. انسجام نیروهای مخالف استبداد، حرکت مشترک و مقابله با برنامه‌های نیروهای سرکوبگر مبنی بر دخالت و تقلب گسترده و در انتها تحمیل نتیجه انتخابات شرط جدی راه‌گشایی برای شرکت نامزدی از سوی اصلاح طلبان در انتخابات آتی است. تعیین و توافق بر سر این امور و اتخاذ تاکتیک‌های درست مبارزاتی بیش از تعیین نامزد احتمالی چنین انتخاباتی از سوی اصلاح طلبان حائز اهمیت است.

به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

رفقای گرامی

ما خیر تأسف بار ترور رفیق "کامل شیاع"، عضو برجسته آن حزب برادر، و عضو هیئت تحریریه "الثقافه الجدیده"، را دریافت کردیم. ترور جنایتکارانه رفیق شیاع، چهره سرشناس جنبش دموکراتیک عراق در عرصه فرهنگ و هنر، شاهدی دیگر بر ماهیت و برنامه‌های مسیبان تروریست این جنایت و اربابان آن‌ها است. دشمنان عراق می‌خواهند که مسیر کشور به سوی اعاده حاکمیت ملی مبتنی بر مردم، دموکراسی و حاکمیت قانون را سد کنند. کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن ابراز همبستگی با حزب برادر، حزب کمونیست عراق، به خانواده رفیق کامل شیاع تسلیت می‌گوید و عمل جنایتکارانه تروریست‌ها در قتل رفیق شیاع را قویاً محکوم می‌کند. ما باور خود را به این امر که ادامه تروریسم، درگیری‌ها و خونریزی‌های داخلی فقط به طولانی‌تر شدن فاجعه سال‌های اخیر و به تداوم اشغال خارجی عراق یاری خواهد رساند، تصریح می‌کنیم. ما همبستگی خود را با مردم و نیروهای مترقی و دموکراتیک عراق، و به ویژه حزب برادر، حزب کمونیست عراق، اعلام می‌داریم.

ما آرزومند موفقیت برای مبارزه دشوار و بفرنج شما برای خاتمه دادن به اشغال عراق، توسط ارتش آمریکا، و اعاده حاکمیت ملی متکی بر مردم، و استقرار یک عراق دموکراتیک، صلح آمیز و مستقل هستیم.

با صمیمانه‌ترین درودها

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ اوت ۱۳۸۷

ادامه بحرانی که ساخت ...

پرداخت بهره وامی که جهت توسعه فعالیت‌های خود گرفته‌اند قیمت‌ها را بالا نگه‌دارند و دولت با امتناع از وضع مالیات بر ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ، می‌کوشد از بقیه مردم مالیات بگیرد و بودجه بخش عمومی را کاهش دهد. بدین ترتیب، کاهش تقاضا در عرصه اقتصادی و افزایش بیکاری ادامه می‌یابد، در حالیکه نرخ بهره و قیمت‌ها نسبتاً بالا باقی می‌ماند - و این در واقع تکرار "رکود تورمی" اوایل سال‌های ۱۹۸۰ را رقم می‌زند.

گرچه عوامل بین‌المللی، بحران اقتصادی بریتانیا را شدت بخشیده‌اند، اما ایجادگر آن نبوده‌اند. مسئولیت بر دوش حزب کارگر "جدید" است که اجازه داد صنایع تولیدی تضعیف شوند و وابستگی بریتانیا به بخش مالی تشدید شود. تنها اتخاذ یک برنامه چپ می‌تواند این بحران را در جهت منافع طبقه کارگر کاهش دهد.

کنترل قیمت باید در رابطه با سوخت خانگی، نفت و مواد اولیه غذایی اعمال شود. برقراری مالیات بر درآمدهای باد آورده در رابطه با سودهای عظیم صنایع انرژی و شرکت‌های انحصاری عرضه مواد غذایی و مصرفی (سوپرمارکت‌های بزرگ که در سراسر جهان شعبه دارند)، سرمایه‌گذاری عمومی - به عنوان مثال، در زمینه تولید مسکن دولتی (که با اجازه ارزان در اختیار مردم گذاشته می‌شود) و ایجاد انرژی توسط پانل‌های خورشیدی - و تولید اشتغال، بدون اینکه به افزایش کل بدهی‌های دولت که در چهار ماهه گذشته به رقم بی‌سابقه ۲۴ میلیارد پوند رسیده، بیانجامد. خارج کردن صنایع گاز، برق و راه آهن از چنگ غارت گران سود طلب امروزه اقدامی است مردمی تر حتی در مقایسه با اواخر سال‌های دهه ۱۹۴۰.

نیاز است تا جنبش سندیکایی مبارزه تهاجمی عظیمی را برای افزایش دستمزدها در تناسب با نرخ واقعی تورم رهبری کند. کنگره اتحادیه‌های کارگری بریتانیا باید خواهان حق مذاکرات در مورد سطح حداقل دستمزد در سطح کشور شود، همانطوریکه جنبش چپ و کارگری مشترکاً برای افزایش حقوق بازنشستگی و مزایا و احیای کمک هزینه برای دانشجویان مبارزه می‌کنند.

نهایتاً، نبرد ایدئولوژیکی باید با شفافیت و شدت بیشتری به پیش برده شود.

"بازار آزاد" تحت سلطه انحصارها قرار دارد که آنرا برای بالابردن سود خود هرگونه که بخواهند دستکاری می‌کنند. این بازاری است که بخش اعظم توان مالی عمومی را در قالب وام‌ها، سوبسیدها و قراردادهای منجمله ابتکارات موسوم به سرمایه‌گذاری در بخش عمومی (ساختمان بیمارستان‌ها، مدارس، جاده‌ها و غیره)، به مثابه یک منبع حیاتی سود برای سهام‌داران سرازیر می‌کند.

و سرمایه داری همچنان سیستمی بی‌ثبات و نامطمئن، با بحران‌های دوره‌ای (سیکلیک) و بیکاری وسیع بر پایه استثمار، ستم و نابرابری باقی خواهد ماند.

Retail و Consumer price index دو واژه

price index هر دو به معنای شاخص هزینه زندگی می‌باشد. با این تفاوت که دومی شاخصی است که در انگلستان استفاده می‌شود و شامل هزینه مسکن و مالیات نیز است.



بحرانی که ساخت انگلستان است!

رفیق رابرت گریفیت، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا

وزیر امور دارایی انگلستان روز ۸ شهریور اعلام کرد که این کشور با سخت ترین بحران اقتصادی ۶۰ سال اخیر روبرو است و پیش بینی کرد که احتمالاً وضعیت اقتصادی از این هم وخیم تر خواهد شد. سران دولت انگلستان مدعی هستند که این بحران هیچ ارتباطی با سیاست های اقتصادی دولت حاضر ندارد و منحصرأ به دلیل شرایط اقتصادی بین المللی پدید آمده است. در مقاله زیر رفیق رابرت گریفیت، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، ضمن افشاء ارتباط مستقیم سیاست های نولیبرالی دولت حاکم با بحران حاضر، از ابعاد وسیع تهدیدی که رکود اقتصادی متوجه زندگی کارگران و زحمتکشان کرده است، پرده بر می دارد.

“نمونه” مورد اشاره منابع رسمی تمایل دارند که جدیدترین اتومبیل و وسائل صوتی را بخرند، به اپرا بروند، بیشتر بیرون از خانه غذا بخورند و شهریه مدرسه فرزندانشان را بپردازند. بنا بر این آنها ۵٪ را برای خرید اتومبیل، ۱۴٪ برای تفریحات و سرگرمی (بدون کلوپ و یا بار)، ۲٪ برای مدرسه و ۱۱٪ برای رستوران و کافه خرج می کنند.

در عرض ۱۲ ماه گذشته نسبت به ماه های پیش قیمت بسیاری از موارد فوق افزایش جزئی داشته است. بنابراین، با این حساب بلی، هزینه زندگی در بریتانیا فقط ۴.۴٪ افزایش یافته است. وزیران دولت یا ابعاد این فریب را می شناسند، که در اینصورت باید گفت شیانده، یا نمی شناسند، که در این صورت نادان هایی هستند که نمی توانند نمایندگی منافع طبقه کارگر و خانواده هایشان را به عهده داشته باشند.

حقیقت این است که حزب کارگر “جدید” در درجه اول نماینده منافع شرکت های بزرگ است. این دولت تابستان داغی را برای شیانده، کلاهبرداران و سفته بازان تدارک دیده است. شرکت های بزرگ فرامولی اجازه یافتند، حتی تشویق شدند، که در بازار های مالی، صنایع، نفت، گاز، برق، آب یا سوپر مارکت ها به سودهای عظیم انحصاری دست یابند. کارگر بیمارستان، مهندس، پرستار و حتی صاحب مغازه کوچک جزو کسانی نیستند که در دوره حکومت حزب کارگر “جدید” شکوفا شوند. برای مثال آقای کریسپین اودی، شریک بزرگ موسسه مالی اودی، شرکت معامله سهام را در نظر بگیرد. او سال بسیار موفقیت آمیزی را در معاملات سهام شرکت های مواد غذایی، بدون اینکه غذایی در دسترس کسی قرار داده باشد، داشته است.

برای انجام چنین کار “مفیدی” برای جامعه، او به خود مبلغ ۲۸ میلیون پوند به عنوان حق الزحمه و دستمزد اعطاء کرده است.

نکته جالب تر اینکه مدیران کل بانک های بریتانیا سود بی سابقه سال گذشته را به ضرر تبدیل کرده اند. حتی تخصیص ۱۰۰ میلیارد پوند از خزانه عمومی - یا ۱۵۰ میلیارد پوند، اگر بتوانند - آنان را از “فروپاشی سیستم اعتباری” که خود موجود آن بوده اند نجات نخواهد داد. سعی به حفظ میزان تقاضا در اقتصاد از طریق قرض گرفتن از بخش خصوصی و دولتی هرگز به ایجاد “اقتصاد نوین نمونه” “گوردون براون، (نخست وزیر) لغو قانون بنیادی سرمایه داری “رونق و سقوط”، منجر نشد. این سیاست بحران دوره ای اضافه تولید، هنگامیکه سرمایه داری دیگر نمی تواند تمام و یا حتی بخش اعظم کالا و خدمات خود را با سود بفروشد، به تاخیر انداخت. اما تا بحال به نحوی عمل کرد که رکود را شدیدتر می کند، زیرا، قدرت خرید متکی بر اعتبار و قرض سریعتر سقوط خواهد کرد. و این در شرایطی است که بانک ها تلاش می کنند تا با بالا نگهداشتن نرخ بهره درآمدهای خود را افزایش دهند، شرکت ها ی بزرگ سعی می کنند تا برای

در حالیکه رشد اقتصادی انگلیس در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۸ عملاً صفر بوده است، کارشناسان موسسات و سیاستمداران بر تکیه بر آمار رسمی و دنبال کردن اهداف پیش بینی شده اصرار می ورزند. آیا می توان شاخص رشد هزینه زندگی را تا ۲٪ حد تعیین شده و قابل قبول تورم از طرف دولت و بانک مرکزی انگلستان پائین آورد؟ آیا ارقام رشد ناخالص ملی برای شش ماه آینده آشکار خواهند ساخت که فعالیت اقتصادی در بریتانیا در واقع درحال انقباض است و در نتیجه اقتصاد به لحاظ تکنیکی در رکود بسر می برد؟ جنبش کارگری و چپ نباید فریب بازی با آمار ساختگی را بخورند. برای میلیون ها نفر، رکود یک واقعیت دردناک است. ما شاهد بزرگترین حمله به استاندارد زندگی طبقه کارگر از زمان به قدرت رسیدن خانم تاچر، قریب به ۳۰ سال پیش، تا بحال هستیم.

بیکاری با سرعتی بیش از هر زمان نسبت به اواخر سال های ۱۹۷۰ در حال افزایش است. آمار رسمی تعداد بیکاران یک میلیون اعلام شده، ولی آمار واقعی دو برابر آن است. به معلولان و کارگرانی که دچار بیماری های طویل المدت هستند، از طریق قطع مزایا و مقرری های تامین اجتماعی، برای بازگشت به کار شدیداً فشار می آورند. مشاغل با دستمزدهای پائین فقر را زیاد کرده، و در عین حال ابعاد گسترده بیکاری روزافزون را پنهان می کند. دستمزد ها در بخش دولتی بیشتر از ۲.۵٪ و در بخش خصوصی بیشتر از ۳.۵٪ در سال افزایش نداشتند. حداقل دستمزد رسمی و مقرری بازنشستگی و مزایای تامین اجتماعی به دلیل رشد بی سابقه تورم (شاخص قیمت ها) عملاً قدرت خرید خود را از دست داده اند. این در شرایطی است که قیمت مواد غذایی در مقایسه با سال گذشته به طور متوسط ۱۴٪ افزایش داشته، که بالاترین جهش از سال ۱۹۸۰ است. قیمت مواد غذایی اصلی مانند نان، سیب زمینی، مرغ، تخم مرغ، مارگارین و کره بین ۳۰ تا ۵۰٪ و بنزین ۲۵٪ افزایش یافته است. از آغاز سال تا بحال قیمت گاز خانگی ۳۰٪ و برق ۲۵٪ افزایش یافته است. این رقم بیش از ۱۰ برابر هرگونه افزایش نرخ دستمزد، مقرری بازنشستگی و مزایای تامین اجتماعی می باشد. نرخ تورم واقعی برای بسیاری از مردم در بریتانیا حداقل ۳۰٪ است.

با این وجود دولت، وسائل ارتباط جمعی و بانک مرکزی انگلستان مدعی هستند که طبق شاخص قیمت های مصرفی، هزینه زندگی تنها ۴.۴٪ در سال افزایش داشته است. حتی شاخص هزینه زندگی در انگلیس، که شامل هزینه مسکن نیز می باشد، نیز آنرا حدود ۵٪ دانسته است.

چرا چنین اختلاف فاحشی بین دنیای تخیلی آمارگران دولت، بخش خصوصی و مطبوعات از یک سو، و دنیای واقعی طبقه کارگر و بخشی از طبقه متوسط از سوی دیگر وجود دارد؟ شاخص های رسمی تغییرات قیمت سالانه را بر اساس خرید یک “سبد” مواد مورد نیاز یک خانواده، که در آن برای هر کالا به نسبت اهمیتی که در بودجه یک خانواده دارد، ضریبی ملحوظ شده است، در نظر می گیرند.

بر اساس آخرین تعریف رسمی شاخص هزینه زندگی، خانواده “نمونه” در بریتانیا ۱۰٪ از بودجه خود را صرف مواد غذایی، ۳٪ را صرف گاز و برق و ۴٪ را صرف بنزین می کند. در حالیکه این سه مورد بالاترین افزایش قیمت را داشته اند- اما تأثیر آنها بر شاخص هزینه زندگی خانواده “نمونه” ناچیز قلمداد شده است. از سوی دیگر، خانواده



آمده که نه تنها صدای اعتراض کانون های ورزشی و فرهنگی و مردم را در پی داشته، بلکه در میان محافل و جناح بندی های حکومتی نیز سرو صدای زیادی برانگیخته است!

خبرگزاری مهر ۲۸ مرداد ماه از قول نایب رییس فراکسیون ورزش مجلس اعلام داشت: "گویامتاسفانه باید در اولین نشست فراکسیون ورزش مجلس هشتم با مسئولان سازمان تربیت بدنی علل ناکامی های ورزشکاران ایرانی در المپیک بررسی شود، البته مقصران و کسانی که در ناکامی ورزشکاران ایرانی در المپیک قصور داشته اند خودشان باید به وجدانشان مراجعه کرده و از پیشگاه ملت عذر خواهی کنند."

برخلاف چنین دیدگاهی، رسوایی دستگاه ورزشی رژیم ولایت فقیه در المپیک پکن به عنوان مهمترین رویداد ورزشی-فرهنگی جهان، نه در قصور اشخاص که در برنامه و سیاست های رژیم نهفته است، در حقیقت ناکامی و ضعف و عقب ماندگی ورزشی که بخشی از واپس ماندگی فرهنگی قلمداد می شود، ریشه در سیاست های حاکمیت و نوع نگاه و دیدگاه آن به جامعه و نیز ورزش به مثابه بخشی از روبنای فرهنگی داشته و دارد.

در میان همه کشورهای شرکت کننده در رویداد پر اهمیت المپیک نمی توان حتی یک مسئول رسمی را یافت که همانند مسئولان دولت احمدی نژاد غیر مسئولانه و از سرناآگاهی درباره ورزش و ورزشکاران کشورش سخن بگوید!

همین افراد نه تنها از ورزش و نقش آن در بالندگی جامعه امروزی بشر بی اطلاع هستند، بلکه ارگان و نهاد زیر مسئولیت خود را فقط به مثابه محلی برای کسب درآمد، و فارغ از تأمین منافع حیثیت ملی و میهنی می بینند. در غیر این صورت این جملات توهین آمیز که "نتایج درحد ورزشکاران" بود به چه معناست؟ اتفاقا به گواهی کارشناسان و مفسران مطلع ورزشی که مسابقات ورزشکاران ایرانی را تحلیل و تفسیر کرده اند و در همین المپیک پکن گزارشات متعددی درباره ورزشکاران میهن ما انتشار داده اند، گروهی از ورزشکاران زن و مرد ایرانی از با استعدادترین ورزشکاران در رشته های خود به شمار می آمدند، ولی متأسفانه از امکانات فنی و علمی، مدیریت و تجربیات ضرور برخوردار نبودند. به این ترتیب باید گفت شکست و ناکامی ورزش ایران در المپیک پکن درست درحد و قامت رژیم واپس مانده ولایت فقیه و مسئولان جاه طلب و ناآگاه دستگاه ورزش ایران بویژه سازمان تربیت بدنی است. در شکست و ناکامی بزرگ و یا بهترگفته باشیم رسوایی ورزش جمهوری اسلامی، ورزشکاران زن و مرد کوچکترین تقصیری نداشته و ندارند. آنها علیرغم وضعیت نامناسب حاکم بر کاروان ایران، محدودیت های گوناگون درهکده المپیک و رفتار ناشایست مسئولان کمیته ملی المپیک ایران، با شجاعت، غیرت و شرافتمندانه در مسابقات حضور یافتند و بیش از آنچه از این جوانان برومند انتظار می رفت سعی و کوشش به خرج دادند. مشکل و معضل ورزش را باید در عملکرد و سیاست های ارتجاعی رژیم ولایت فقیه جستجو کرد، نه در فعالیت گروهی جوانان با استعداد که خود قربانیان دیدگاه های ارتجاعی حاکم بر کشور هستند!

ناکامی ورزش جمهوری اسلامی در المپیک پکن، گواه روشن آسیب های بلند مدت و کوتاه مدت ناشی از اجرای برنامه های ضد مردمی است.

ورزش به عنوان جزیی از فرهنگ جامعه، با توجه به سمت گیری اقتصادی-اجتماعی کنونی رژیم ولایت فقیه که پیروی از دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است، در وضعیت ناگوار و دردناک قرار دارد. این وضعیت آینه تمام نمای جامعه ایران در زیر سایه شوم رژیم خود کامه و تاریک اندیش ولایت فقیه است!

ادامه المپیا پکن ...

انسانی، اداری و تکنولوژیک خود قلمداد کرد. روزنامه "دیلی میل" انگلیس در رابطه با موفقیت چین در سازماندهی المپیا پکن گفت: "اینکه این دوره بازی های المپیک یک واقعه برجسته در سیاست جهان می باشد، یک ادعای توخالی نیست. مراسم افتتاحیه آنرا اثبات کرد. این مراسم نشان دهنده این بود که چین می تواند با هر کشوری در هر عرصه ای رقابت کند."

مراسم افتتاحیه ۲۹مین المپیا در استادیوم ملی چین در پکن که به شکل بسیار زیبایی لانه پرنده طراحی شده است، به واقع مردم سراسر جهان را، از دوست و دشمن به حیرت واداشت. این مراسم که به گفته منقدان هنری برای سالیان متمادی مراکز هنری-نمایشی جهان به مطالعه و درس آموزی از آن خواهند نشست، بطور شگفت آوری تاریخ، تئاتر، تکنولوژی و برنامه ریزی را با هم آمیخته بود. در این مراسم که در حضور ۸۱ تن از سران کشورهای جهان و ۹۱،۰۰۰ تماشاچی برگزار می شد، نمایشی عظیم از رقص، موسیقی و آتش بازی توسط حدود ۱۰ هزار نفر هنرمند چینی به اجرا در آمد. ناظران مطلع و آشنا به المپیک و ضرورت ها و نیاز های انجام چنین پروژه های عظیمی، معتقدند که هیچ شهری در جهان نمی تواند با پکن در میزبانی المپیک رقابت کند. در طول مراسم افتتاحیه که میلیارد ها نفر در سراسر جهان به تماشا و تحسین آن نشستند، تاریخ پنج هزار ساله چین به تصویر کشیده شد. روزنامه "دی ولت" آلمان با "بی نقص" خواندن مراسم افتتاحیه گفت که "برای دهه ها بازی های المپیک با چنین مراسم رنگارنگ و قدرتمندی افتتاح نشده بود." روزنامه "ایندپندنت"، چاپ لندن روز پس از شروع رسمی المپیک پکن در باره مراسم افتتاحیه نوشت: "این بزرگترین نمایشی بود که جهان تا به حال مشاهده کرده است... مراسم افتتاحیه ۲۹مین دوره بازی های المپیک به شکل نفس گیر و اعجاب آوری طراحی و برنامه ریزی شده بود... و تا آنجا در به تصویر کشیدن تاریخ چین باستان پیش رفت که می توان حدس زد که خود کنفوسیوس هم از آن راضی باشد."

پس از ۱۶ روز رقابت های ورزشی به یاد ماندنی بیست و نهمین دوره بازی های المپیک در پکن با پیروزی ورزشکاران چین که ۵۱ مدال طلا بدست آوردند به پایان رسید. کاروان های ورزشی آمریکا با ۳۶ مدال طلا و فدراسیون روسیه با ۲۳ مدال طلا در مکان های دوم و سوم جدول مدال های المپیک پکن قرار گرفتند. ایران با مدال های طلای هادی ساعی و برنز مراد محمدی در رده ۵۱ این دوره بازی های المپیک قرار گرفت. در المپیک آتن ایران با مجموع شش مدال در مقام ۲۹ جدول مدال ها قرار داشت.

مراسم اختتامیه المپیک پکن با چرخ های نورانی و یک برج ۲۰ متری از آکروبات ها که بصورت هماهنگی با هم حرکت می کردند، همانند افتتاحیه آن مسحور کننده و با ابهت بود. المپیک پکن با سخنان ژاک روگو، رئیس کمیته بین المللی المپیک، در رابطه با این که: "این مشخص است که چین سطح و استاندارد را خیلی بالا برده است و این چالشی جدی برای لندن و همچنین همه المپیک های بعدی خواهد بود" و پس از تحویل پرچم المپیک به شهردار لندن، محل برگزاری المپیک در سال ۲۰۱۲ به پایان رسید.

رسوایی بزرگ رژیم ایران در المپیا پکن

وضعیت نفرت و تیم های ایران در المپیک پکن و نتایج ضعیف و شکست های پی در پی، یک رسوایی بزرگ برای جمهوری اسلامی پدید آورده است، پیش از اعزام کاروان ورزشی ایران به پکن، مسئولان ریز و درشت رژیم وعده پیروزی و شگفت آفرینی ورزش ایران را در "پرتو" مدیریت و برنامه ریزی دولت نهم می دادند و حضور ورزشکاران در المپیک را توانمندی حاکمیت و نشانه رشد و بالندگی آن معرفی می کردند. اما درست عکس آنچه رژیم ولایت فقیه انتظار داشت و تبلیغ می کرد، اقتضای به بار



المپیاد پکن: مظهری تحسین برانگیز از صلح و دوستی میان ملت ها

اجرای موفقیت آمیز و چشم گیر بیست و نهمین دوره بازی های المپیک و توانایی و امکانات چین در سازماندهی بهترین بازی های المپیک از سال ۱۸۹۶ تاکنون، جهان را به حیرت و تحسین واداشت.
“هو جین تائو”، رئیس جمهور چین، در آستانه آغاز مراسم افتتاحیه اظهار داشت: “لحظه تاریخی که منتظرش بودیم در حال فرا رسیدن است.”
تلاش برخی محافل ضد کمونیست در کشورهای سرمایه داری برای سازماندهی تحریم المپیک چین با شکست مطلق روبرو شد.

الهام از واشنگتن و لندن گرفته، تا اعتراض به روابط دیپلماتیک و تجاری چین با سودان، و یا ادعای اینکه میزان بالای گازهای زیان آور در فضای پکن از معیار های تعیین شده بین المللی بالاتر و برای فعالیت های ورزشی مضر است، همه در راستای ایجاد تردید برای شرکت در المپیاد پکن بکار گرفته شد. اینکه ۴ سال قبل از آن بدون هیچگونه شکوه ای المپیک ۲۸ در شهر آتن که رسماً بالاترین میزان آلودگی هوا در جهان را دارد، برگزار شد، برای هیچ کس و ارگانی در این کاروان نا هماهنگ ضد کمونیستی مطرح نبود. تعدادی از سران جهان در اظهاراتی نمایشی به عدم شرکت در مراسم افتتاحیه المپیک تهدید کردند. و موج تبلیغات هدفمند برای سازماندهی تحریم المپیک، همانگونه که ۲۸ سال قبل از آن در رابطه با ۲۲مین المپیک در مسکو عمل شده بود، آغاز شد. تحرک تحسین برانگیز و موفق و توانمندی دیپلماسی چین، و سطح وسیع مبادلات اقتصادی چین به مثابه ابرقدرت اقتصادی جهان در انتها تمامی این کوشش های مسموم و ارتجاعی را به شکست کشاند. رهبران چین اعلام می کردند که در پس این تهاجم ایدئولوژیک ارتجاعی وحشت کشورهای سرمایه داری غرب از نمایش بی سانسور و مستقیم حقیقت زندگی و پیشرفت در چین در کشور های غربی قرار دارد.

و این حقیقتی بود که فقط با شروع و انجام المپیاد پکن مشخص شد. “هو جین تائو”، رئیس جمهور چین، در آستانه آغاز مراسم افتتاحیه اظهار داشت: “لحظه تاریخی که منتظرش بودیم در حال فرا رسیدن است.”
 در طول ۱۶ روز بیاد ماندنی که لحظه به لحظه آن تظاهر ابعاد قدرت فیزیکی، فکری، سازماندهی و تکنولوژیک انسان بود، میلیاردها بیننده مزیت های یک سیستم برنامه ریزی شده و هدفمند را در کشوری که هدف خود را سوسیالیسم اعلام کرده است، را مشاهده کرده و به تحسین آن نشستند. به اعتقاد کارشناسان و مفسران امور ورزشی نظم این دوره از بازی های المپیک، شرایط ایده آل فراهم شده در دهکده المپیک، کیفیت سالن ها و تاسیسات ورزشی، برنامه های افتتاحیه و اختتام این دوره المپیک، امکانات برای رسانه های عمومی و مطبوعات بی نظیر، بی نقص و بی سابقه بوده است، و آن را می توان نمادی از توان چین در بسیج و هماهنگ سازی امکانات عظیم

زمانیکه کمیته بین المللی المپیک، در تیرماه ۱۳۸۰، تصمیم خود مبنی بر اینکه پکن، پایتخت جمهوری توده ای چین، میزبان ۲۹مین المپیک خواهد بود را اعلام کرد، هیچکس تصور نمی کرد که این دوره بازی ها به چنین پلاتفرمی قدرتمند برای دیپلماسی بین المللی این کشور بدل شود. چین با برگزاری موفق المپیاد پکن تحت شعار “یک جهان، یک رويا” حضور و مزیت های خود را به مثابه یک قدرت بین المللی برای مردم جهان به نمایش گذاشت. المپیک پکن از نظر تعداد کشورهای و تعداد ورزشکاران شرکت کننده، در رقابت ها، و تعداد رکورد های جهانی شکسته شده، رکورد دار اعلام شد. ۱۰،۷۰۰ ورزشکار از ۲۰۴ کشور در المپیک پکن شرکت داشتند و ۴۳ رکورد جهانی و ۱۳۲ رکورد المپیک در جریان ۱۶ روز رقابت ها شکسته شدند. از ۲۰۵ کشور جهان که دارای کمیته تدارک المپیک رسمی هستند، فقط سلطان نشین برونی در این دوره بازی های المپیک شرکت نداشت، آن هم بدلیل عدم ثبت نام ورزشکارانش در موعد رسمی!

در دو دهه اخیر و تا قبل از این المپیک سازماندهی این رقابت های بین المللی همواره با نگرانی در مورد تامین مالی، اتمام به موقع استادیوم ها و توانایی اداری-سازمانی شهر و کشور میزبان به فراهم آوردن امکانات ضرور و ایمنی برای تجلی استعداد و توانایی ده ها هزار ورزشکار از سراسر جهان، همراه بوده است. به عنوان مثال در ۲۸مین دوره المپیک در آتن حتی تا هفته قبل از مراسم افتتاح اطمینانی به آمادگی ورزشگاه ها و تاسیسات ضرور وجود نداشت. با نزدیک شدن روز شروع المپیک و مشخص شدن اینکه دولت چین همه امکانات خود را به کار گرفته است که ۲۹مین المپیاد صحنه نمایش توانایی های انسانی، اجتماعی و تکنولوژیک این کشور بشود، یک کارزار مشخص سیاسی ضد کمونیستی برای جلوگیری از موفقیت چین به راه افتاد. کوشش برای تدارک یک کارزار مسموم ایدئولوژیک در سطح جهان از طریق رسانه های امپریالیستی و خبری و سازمان های اطلاعاتی و تبلیغاتی کشورهای عمده سرمایه داری به شکل هدفمندی تشدید شد. از تحریکات مشخص برای بهم ریختن شرایط در ثبت و سازماندهی یک قیام ارتجاعی به رهبری “دالائی لاما”، با

ادامه در صفحه ۱۱

کمک مالی رسیده

به یاد جان باختگان شهدای فاجعه ملی رفقا از برلین ۵۰۰ یورو
 به یاد شهدای حزب و جنبش دمکراتیک مردم ایران از لندن ۱۰۰ یوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و “ای-میل”
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 798
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 30th August 2008

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
 IRANe.V.
 شماره حساب
 790020580
 کد بانک
 10050000
 بانک
 Berliner Sparkasse